

فیلم The power of vision

قدرت بینش

راز موفقیت انسان ها و ملت ها چیست؟

« زمانی کسی گفته بود بهتر است به آینده مان بنگریم چون قرار است بقیه عمرمان را در آن بگذرانیم » این جمله ممکن است برای بسیاری از افراد کلماتی بیش نباشد چون خودشان را در زمان حال گرفتار کرده اند، یا درباره آینده رویا پردازی می کنند ولی دست روی دست می گذارند و بنابراین رویاهایشان در بهترین شکل مبهم و در بدترین شکل دست نیافتنی می باشد. اما این تصویر درباره آینده اشتباه است . ما در اینجا می خواهیم بدانیم که چرا تجسم مثبت ما از آینده چه درباره ملتها و یا مردم و اجتماعات، پیرها و جوان ها یا شرکت ها و سازمان ها و برای تک تک ما که می خواهیم در این جهان منشا اثر باشیم تجسمی بسیار مهم و حتی اساسی است. داشتن دیدگاهی متضاد و مثبت نسبت به آینده در شرایط بحرانی بسیار عاقلانه است . لازم است در مواقع بحرانی درباره آینده فکر کنیم رویا پردازی کنیم و به آن تجسم ببخشیم . در واقع دیدگاه من این است که داشتن بینش مثبت نسبت به آینده شاید نیرومند ترین انگیزه تحول من و شما باشد.

محقق هلندی فرد پولاک در کتاب خودش به نام ((تصویر آینده)) به رابطه میان تصویر ملتها از آینده شان و سرنوشت آنها علاقه زیادی داشت . مسئله ای که او مطرح کرد این بود: ((آیا تصویر مثبت یک ملت از آینده پی آمد موفقیت آن ملت است، یا موفقیت یک ملت پی آمد تصویر مثبت آن ملت از آینده است، برای یافتن پاسخ این مسئله او سرنوشت ملت‌های زیادی خواه باستانی و خواه معاصر را بررسی کرد . او میخواست بداند که این ملتها چقدر نسبت به آینده شان دید مثبت داشتند و چقدر به آمل و آرزوهایشان دست پیدا کردند.

پولاک در تحقیقاتش به این نتیجه رسید که کشورهای موفق ابتدا با رویا آغاز کردند و سپس آن را به چیزی مهم تر و قوی تر تبدیل کردند (بینش) بینش نتیجه رویا و عمل است. بینش های مهم مقدم بر موفقیت های مهم است. ابتدا رهبران پنداره محکمی از آینده نشان می دادند بعد جوامع این پنداره را می پذیرفتند و از آن حمایت می کردند بعد آنها با همکاری هم آن پنداره را تحقق می بخشیدند. امروزه قدرت بینش را در تمام دنیا می توان دید. بسیاری از ملت ها وقتی راه صعودشان را به عظمت آغاز کردند نه منابع مهمی داشتند نه جمعیت قابل قبول یا حتی برتری استراتژیک، آنچه آنها داشتند بینش عمیق نسبت به آینده شان بوده است و علت اصلی موفقیتشان این بوده است ملت های بینش مند موفق ترند و ملتهای بدون بینش ضعیف تر.

باید نسبت به آینده مان بینش داشته باشیم، آن زمان می بینیم که بینش با قدرتش ما را پشتیبانی می کند.

با مغزمان فکر کنیم، قلبا راسخ بمانیم، هیچکس دیگری نمی تواند این کار را برای ما انجام دهد و در حالی که هیچ تضمینی نیست که به اهداف هایمان برسیم از قدرت بینشمان که امتداد می یابد بهترین پیوند ما با آینده است، اگر آن را محکم در دست هایمان نگه داریم آنگاه آماده ی رویارویی با مخاطرات و حوادث فردا خواهیم بود.

کشورهایی را بررسی کردیم که از هیچ، به فرمانروایی جهان ارتقا پیدا کرده اند، عناصر اصلی موفقیت کودکان و شرایط سختی را بررسی کردیم که انسان برای زنده ماندن آن را تجربه کرده است، همه ی اینها رشته مشترکی دارند (قدرت بینش مثبت نسبت به آینده)، این بحث در هر مقیاسی برای انسان بنیادین است

چه چیزی بینش های بزرگ را تشکیل می دهد؟

بینش صرفا بر اساس ارقام مالی بیان نمی شود، آن ارقام همیشه نتیجه ی بینش تحقق یافته است.

اجزای اصلی بینش چیست ؟

1. بینش را رهبران باید گسترش دهند، توده ها بینش را به وجود نمی آورند، رهبران خبره با مردم صحبت می کنند و به حرف های آنها گوش می دهند، از اخبار دنیا آگاه هستند و آنها می کاوند. این نقش رهبران هست نه پیروان که این اطلاعات را بگیرند و آنها به بخشی قدرتمند و منسجم مبدل کنند.
2. گروه باید از بینش رهبر آگاه شود و بر سر حمایت آن توافق کند، اگر آن آگاهی و حمایت را داشته باشیم اجتماعی بینش مند داریم. افراد اجتماعی بینش مند باید برای به تحقق رساندن بینش باهم کار کنند.
3. یک بینش برای آنکه موفق شود باید جامع و پر جزئیات باشد، کلیات هیچ گاه به تنهایی مفید نیست، برای داشتن بینش، باید چگونگی، زمان، علت و ماهیت قضیه را با دقت کافی بدانیم تا هرکسی در اجتماع بینش مند بتواند مکان خود را در آن بینش بیابد، هرکس باید بداند که چگونه کمک کند و چگونه مشارکت کند.
4. بینش باید مثبت و انگیزه بخش باشد، یک بینش باید مقصد داشته باشد و همه را به بالندگی اساسی برانگیزد تا بتوانیم مهارت هارا را فراتر از حوزه کارایی سوق دهیم. یک بینش باید ارزش تلاش و کوشش را داشته باشد، هنگامی که بینشمان را به وجود می آورید بهتراست که بر سر بینش بسیار بزرگ مرتکب خطا شوید نه بینشی چندان بزرگ.

ارزش‌ها معیارهایی هستند که شما با آنها درستی مسیرتان را می‌سنجید، بدون ارزش‌ها شاید بینشی را پدید آورید که غیر اخلاقی است، ارزش‌ها شما را از ارتکاب چنان خطاهایی مسون میدارد. اما ارزش‌ها با اینکه برای بینش بسیار ضروری هستند نمی‌توانند مسیر را به شما نشان دهند، تنها بینش است که سرنوشت را رقم می‌زند.

نتیجه‌گیری:

رهبری با بینش، تشریح آگاهی و حمایت، بینش جامع و پر جزئیات، بینش مثبت و انگیزه بخش (هنگامی که همه‌ی اینها را جمع می‌کنید صاحب اجتماعی بینش مند می‌شوید و هنگامی که صاحب اجتماع بینش مند می‌شوید آن گاه شما قدرتمند خواهید بود. ما همگی به تنهایی توانایی اثر گذاری را داریم (با قدرت بینش‌مان صاحب نیروی شکل بخشی به آینده‌مان می‌شویم و این چالشی برای همه‌ی ما باشد.)

بینش بی عمل صرفاً یک رویاست

عمل بی بینش صرفاً وقت‌گذرانی است

بینش به همراه عمل است که می‌تواند دنیا را دگرگون کند

هفت مرحله تادستیابی به رویاها :

✓ مرحله اول: تصورش کنید

همه چیز از قلب و ذهن نشات می گیرد. هر دستاورد بزرگی از ذهن یک فرد آغاز می شود.

✓ مرحله دوم: باورش کنید

رویای شما باید بزرگ باشد، چیزی فراتر از توانایی هایتان، اما در عین حال باور کردنی.

✓ مرحله سوم: آن را به وضوح ببینید.

افراد موفق عادت دارند چیزهایی را که می خواهند ببینند

✓ مرحله چهارم: آن را برزبان جاری کنید

یکی از علل شکل نگرفتن بسیاری از رویاها این است که فرد، آن را پیش خود نگه می دارد، رویایی ساکت در درون.

✓ مرحله پنجم: برایش برنامه ریزی کنید

هر رویایی باید طرح و پلان داشته باشد.

✓ مرحله ششم: روی آن کار کنید

افراد موفق اغلب سخت تلاش می کند.

✓ مرحله هفتم: از آن لذت ببرید

وقتی به هدفتان رسیدید با آن زندگی کنید و از آن لذت ببرید.